

نکات انتقادی از عدالت زیست‌محیطی و توسعه پایدار

پیمان نمایان^{*۱}

p-namamian@araku.ac.ir

سبحان طیبی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۴

چکیده

جامعه بین‌المللی بیشتر از قبل با مشکلات زیست‌محیطی مانند جنگل‌زدایی، گرم شدن زمین، آلودگی محیط زیست، انقراض گونه‌ها و بیابان‌زدایی و مشکلات دیگر مواجه شده است. توسعه جامعه بشری در طول قرن‌ها به گونه‌ای بوده که نمی‌تواند فقط به محیط زیست اتکا کند. در این راستا توسعه اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی در مکان و زمان شکل می‌گیرد. در مسیر این توسعه بنا بر دغدغه‌های بشری، پایداری مساله‌ای است که حقوق نسل‌های آینده را تضمین می‌نماید. اگرچه چارچوب‌های حقوق همبستگی نیز در این مسیر گام‌های بلندی برداشته اما شرایط مقتضی به هر نحو کفایت موضوع را نکرده است. از این رو، ماهیت مکانی و زمانی توسعه بشر باعث ایجاد نگرانی‌هایی در مورد حقوق بشر در برابر محیط زیست شده است. این مقاله با استفاده از تحلیل مفهومی به بررسی منتقدانه مفاهیم عدالت زیست‌محیطی و توسعه پایدار پرداخته است و به اثبات رسانده که توسعه با معنی و مفهوم به مضمون مواردی مثل احترام به محیط زیست و احترام به حقوقی است که بشر در برابر محیط زیست دارد. این مقاله چنین نتیجه‌گیری کرده که خوشبختی و سعادت جهانی فقط در جو تفاهم میان کشورها بر این مبنا که حفاظت از محیط زیست و پایداری آن به مضمون احترام به حقوق محیط زیست است، دست‌یافتنی می‌باشد. لذا یکی از پیشنهاد‌های این مقاله پایه‌گذاری تلاش‌های مرتبط با توسعه پایدار براساس عدالت زیست‌محیطی است.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، حق، عدالت زیست‌محیطی، حقوق بشر، توسعه پایدار.

۱- استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران. * (مسئول مکاتبات)

۲- مدرس گروه حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Critical Notes on Environmental Justice and Sustainable Development

Peyman Namamian^{1*}

p-namamian@araku.ac.ir

Sobhan Tayebi²

Admission Date: December 5, 2018

Date Received: March 21, 2018

Abstract

The international community is increasingly facing environmental problems such as deforestation, global warming, environmental pollution, species extinction and desertification, and more. The development of human society over the centuries has been such that it cannot rely solely on the environment. In this regard, economic, scientific and technological development is formed in space and time. In the course of this development, according to human concerns, sustainability is an issue that guarantees the rights of future generations. Although the frameworks of solidarity law have also taken great strides in this direction, the appropriate conditions have not been sufficient in any way. Hence, the spatial and temporal nature of human development has raised concerns about human rights and the environment. Using conceptual analysis, this article critically examines the concepts of environmental justice and sustainable development and proves that development is meaningful in terms of issues such as respect for the environment and respect for human rights against the environment. This article concludes that global happiness and prosperity can only be achieved in an atmosphere of understanding between nations on the basis that the protection of the environment and its sustainability is a matter of respect for environmental rights. Therefore, one of the suggestions of this article is to establish efforts related to sustainable development based on environmental justice.

Keywords: Environment, Rights, Environmental Justice, Sustainable Development.

1- Assistant Professor, Department of Law, Faculty Economic & Administrative Sciences, Arak University, Arak, Iran. *(Corresponding Author)

2- Lecturer in Environmental Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

مقدمه

محیط زیست اولین حق انسان است. بدون یک محیط امن، انسان نمی‌تواند ادعا کند که حقوق دیگری همچون سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی را دارا باشد. محیط زیست به عنوان تمام عوامل خارجی تأثیرگذار بر زندگی و فعالیت جانداران، گیاهان و انسان‌ها تعریف شده است. پس محیط زیست به هر آنچه در پیرامون ماست و می‌تواند بر زندگی انسان و غیر انسان تأثیر بگذارد اشاره می‌کند (۱). به عنوان مثال: محیط زیست آقای X دارای درخت، آب، خورشید، هوا، آدمهای دیگر و غیره است. تصور زندگی و وجود آقای X فرضی به حمایت دیگران برای تحقق و شکوفایی انسانیت خود بدین معنی است که در چارچوب اجتماعی به دولت و رابطه نیاز دارد، برای تأمین غذا، پوشاک و اکسیژن به گیاهان نیاز دارد، برای سفر به دریا نیاز دارد و برای انرژی و تعیین ساعت به خورشید نیاز دارد. در اصل انسان نه تنها به محیط زیست خود نیاز دارد بلکه لازم است با عملکردهای آن نیز آشنا باشد (۲).

همان‌طور که گفتیم فقط حیات بشر تحت تأثیر محیط زیست قرار نمی‌گیرد و فقط انسان نیست که در محیط زیست قرار می‌گیرد و فقط انسان نیست که در محیط زیست حیات دارد، بلکه زندگی جانداران دیگر و گیاهان هم تحت تأثیر فعالیت‌های پیرامون قرار می‌گیرند. وقتی انسان‌ها درختان را قطع کنند حیات گیاهی و جانوری متأثر می‌شود. مطالعات زیست‌محیطی همواره وابستگی متقابل ارگانیسم‌های زنده و تعامل آنها با محیط را به اثبات رسانده‌اند (۳). بنابراین طرز رفتار با محیط نیاز به توجه فراوان دارد. سؤالات هنجاری که پیش می‌آیند عبارت است از این که آیا طرز رفتار انسان‌ها با محیط زیست عادلانه است؟ آیا حیات غیر انسانی (مثلاً جانوران) حقی نسبت به محیط زیست دارند؟ آیا سبک زندگی گذشته و حال شهروندان جهانی برای شهروندان آینده جهان منصفانه است؟ اینها نمونه‌هایی از سؤالات اخلاقی درباره محیط زیست هستند. وقتی اقدام به درک اثر متقابل بین توسعه بشر و محیط زیست نمائیم این سؤالات قهرآمیزتر می‌شوند.

توسعه و محیط زیست

پیشینه توسعه اقتصادی به زحمت بدون تأثیر آن بر محیط زیست رقم خورده است. از جنبه فنی، توسعه به فرآیند تغییر و تحول یا تبدیل اشاره دارد. توسعه گویای بهبود، ترقی و پیشرفت است. از این رو توسعه اقتصادی به مضمون پیشرفت امور یا فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. از نظر پژوهشگران توسعه اقتصادی، ابزار و فنون بهبود یافته، لازمه پیشرفت یا ارتقای فعالیت‌های اقتصادی هستند (۴).

پیشینه فعالیت‌های اقتصادی بشر، مسیر عصر کشاورزی، عصر صنعتی و عصر اطلاعات را پشت سر گذاشته است. کشاورزی پیش از تاریخ شامل شکار و تأمین غذا با ابزارهای ساده مثل کج بیل و دشنه یا قمه بود. کشاورزی به واسطه انقلاب علمی و انقلاب صنعتی قرن ۱۷ به یک تجارت علمی تبدیل شد و به صورت صنعت نمایان گشت. ظهور کشاورزی صنعتی نشانه نقطه عطفی در توسعه اقتصادی بود. از این رو زراعت در مقیاس وسیع موجب گردید تا مصرف کود و آفت‌کش‌های مصنوعی، تشکیل دامداری‌ها در مقیاس بزرگ، مصرف آنتی‌بیوتیک و هورمون و وابستگی به ماشین‌آلات به مسائل روز تبدیل شوند (۵).

در ادامه انقلاب صنعتی که توسعه صنعتی و بخصوص کشاورزی صنعتی را به بار آورد به طرق گوناگون محیط زیست را به طرز زیانباری متأثر ساخته است. توسعه اقتصادی نیز پیامدهای زیست‌محیطی منفی و زیانباری داشته است (۶). ارمغان صنعتی شدن، مصرف بی‌رویه ذخایر آب بوده است. یعنی آبهای زیرزمینی و آبخیزها سریعتر از آنچه بتوانند احیا شوند به مصرف می‌رسند. مصرف بی‌رویه انرژی هم مشخصه توسط اقتصادی است. مثلاً با اشاره خاص به توسعه کشاورزی باید گفت ماشین‌آلات سنگین کشاورزی به انرژی فراوانی نیاز دارند و انرژی بسیار زیادی صرف تولید کود شیمیایی ازت‌دار و آفت‌کشها می‌شود و حمل و نقل مواد غذایی در مسافت‌های طولانی به انرژی زیادی نیاز دارد. اینها همه مضمون آلودگی

هوا در اثر مصرف مقدار فراوان سوخت های فسیلی هستند که خود باعث گرم شدن زمین می شود. کشاورزان به واسطه توسعه و پیشرفت فناوری زیستی به مصرف کود شیمیایی برای افزایش تولید روی آورده اند. اثر آن کاهش چشمگیر توانایی خاک در نگه داشتن رطوبت و وابستگی شدید به سیستم های آبیاری است. آب های زیرزمینی و سطحی در اثر استفاده از علف کشها و حشره کشها آلوده شده اند (۷). اثر نهایی این فعالیت های انسانزاد کشاورزی و صنعتی شدن در مقیاس وسیع، تهدید دائمی حیات انسان و جانداران دیگر است. در این جا طرح این سؤال بجاست؛ آیا عادلانه است انسان ها به اسم توسعه هر طور مایلند با محیط زیست رفتار کنند؟ و دقیقاً همین سؤال است که نیاز به این مطالعه جهت بررسی مساله عدالت زیست محیطی در برابر دغدغه توسعه پایدار با رجوع خاص به اقتصادهای در حال توسعه را ایجاد کرده است.

نیازهای بشر و عدالت زیست محیطی

انسان به غذا، آب پاک، آموزش، درآمد و سلامتی خوب نیاز دارد. فقر علت ناتوانی در رفع این نیازهای اساسی است. پس فقر تهدیدی برای پایداری حیات بشر محسوب می شود. حقوق انسانی بشر از همین نیازهای اساسی بشر مشتق شده اند. به عبارتی انسان از حق خوراک، آب، آموزش، سلامت و غیره برخوردار است. فقدان هر یک از آنها می تواند واکنشهای زنجیره ای منفی ای را به وجود بیاورد. به عنوان مثال کمبود غذا دستگاه ایمنی بدن انسان را ضعیف می کند، ضعف دستگاه ایمنی باعث سوء تغذیه می شود، سوء تغذیه در را به روی حمله بیماریها و ناخوشیها باز می کند (۸).

نیازهای بشر به غذا، مسکن، پوشاک، در هر نظام اجتماعی - سیاسی و اقتصادی وجود دارند. پس حق نیازهای اساسی حیات که شاخص حقوق بشر است، جهان شمول و سلب نشدنی است. بنابراین صحبت راجع به حق بر محیط زیست، یکسان نگرایی با برابری زیست محیطی و عدالت زیست محیطی منطقی است و پدیده عدالت زیست محیطی یعنی رفتار منصفانه و مشارکت معنی دار تمام انسان ها صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، ملیت یا درآمدشان با احترام به توسعه و اجرای قوانین، مقررات و حقوق

محیط زیست (۹). بنابراین حق بر محیط زیست یک ضرورت انکار نشدنی است.

به گفته پژوهشگران، عدالت زیست محیطی با تحول اجتماعی به سوی رفع نیازهای اساسی بشر و ارتقای کیفیت زندگی انسان ها و به عبارت دیگر کیفیت آموزش، مراقبت های بهداشتی، مسکن، حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و دمکراسی ارتباط دارد (۱۰). دیوید اشلوسبرگ^۱ از طریق تحلیل تعاریف و مفاهیم گوناگون عدالت زیست محیطی چهار موضوع اصلی در مقوله عدالت زیست محیطی را به شرح زیر معرفی می کند:

- ۱) توزیع برابر نگرانه خطرات و مزایای زیست محیطی؛
- ۲) مشارکت منصفانه و معنادار در روند تصمیم سازی زیست محیطی
- ۳) بازشناسی سبک زندگی اجتماعی، دانش محلی و اختلاف فرهنگی؛ و
- ۴) توانمندی اجتماعات و افراد برای انجام کار و شکوفا شدن در جامعه.

بنابراین عدالت زیست محیطی جستاری برای رفتار منصفانه در دو سطح به هم مرتبط است: رفتار منصفانه انسان ها و رفتار منصفانه محیط زیست (۱۱).

مردم برای احقاق حق خود نسبت به ضروریات اساسی زندگی به محیطی توانبخش نیاز دارند. مثلاً کار منصفانه ای که آقای X باید انجام دهد، ایجاد محیطی توانبخش برای دیگران است تا بتوانند از حقوق خود برخوردار شوند و دیگران نیز باید این کار او را جبران کنند. محیط آقای X شامل محل زندگی، کار، بازی و یادگیری و مانند اینهاست. بالعکس آنچه در حق بر محیط زیست منصفانه است، این که همه از جمله آقای X از محیط زیست حفاظت کنند و آن را سالم و ایمن نگه دارند.

بویان بریانت^۲ در مورد با دغدغه اش از نظر درک شایسته عدالت زیست محیطی اظهار داشته، وقتی مردم حداکثر قابلیت خود را محقق سازند، به عدالت زیست محیطی خدمت کرده اند. بویژه آن که عدالت زیست محیطی رابطه درست بین بشر و کره

1- David Schlosberg
2- Buyan Bryant

شهروندان بومی و مقیم در اکثر مناطق اکتشاف نفت خام با بی‌عدالتی زیست‌محیطی مواجه شده باشند. تغییر همزمان زمین، آب، انرژی و هوا، انحطاط زیست‌محیطی و بی‌عدالتی توأم با آن را به ارمغان آورده است (۱۶).

از علل دیگر، قصور دولت‌ها در تدوین سیاست‌ها و مقررات دولتی مسئولانه و جوابگوینه نیز به عنوان یک علت بی‌عدالتی زیست‌محیطی شناخته شده است. عدم به رسمیت شناختن حقوق دیگران نسبت به محیط زیست پاک، ایمن و سالم نیز به کوتاهی دولت‌ها به خصوص در کشورهای در حال توسعه در امر محقق‌سازی نیاز به سیاست‌ها و مقررات اندیشورانه دولتی در خصوص آلودگی زیست‌محیطی نسبت داده شده است. طرز فکر کشورهای در حال توسعه که بی‌عدالتی زیست‌محیطی در آنها ظاهراً متعارف است، این است که دولت‌ها باید صبر کنند تا آلودگی زیست‌محیطی ایجاد شود بعد به دنبال راهکاری برای رفع آن بگردند.

نژادپرستی نهادینه شده هم عدالت زیست‌محیطی را تهدید می‌کند. گرایش به پست‌تر دانستن محیط زیست یا منطقه عده‌ای از مردم نسبت به عده‌ای دیگر نیز باعث بی‌عدالتی می‌شود. حقیقت این است که قشر فقیر دنیا عمدتاً در اجتماعات سیاهپوست یافت می‌شود. پس گرایش فکری این است که اجتماعات سیاه‌محل برای محیط زیست کثیف و آلوده می‌باشند. همین مساله توجیه می‌کند که چرا اجتماعات سیاهپوست در سراسر دنیا مکانی در دسترس برای دفع زائدات می‌باشند. و از آن جا که اجتماعات (یا نژادهای) فقیر فاقد منافع و قدرت لازم برای مبارزه با اجتماعات یا نژادهای پیشرفته صنعتی هستند تسلیم سرنوشت می‌شوند.

نژادپرستی زیست‌محیطی که خواهان قطبی کردن جهان و خلق اجتماعات جدید یعنی اجتماع زیست‌محیطی پست‌تر و اجتماع زیست‌محیطی برتر است باعث بی‌عدالتی زیست‌محیطی می‌شود. از آن چه گفته شد این واقعیت استنباط می‌شود که همه از میزان برابر حفاظت در برابر خطرات زیست‌محیطی و سلامتی برخوردار نمی‌باشند و در سطح دیگر بی‌عدالتی، همه

خاکی است (۱۲). محور توجه عدالت زیست‌محیطی انسان‌ها و سایر مخلوقات آسیب‌پذیر هستند که در معرض خطر فعالیت‌های مخرب و آزمندانه انسان قرار دارند. عدالت زیست‌محیطی که از نقطه نظر اخلاقیات یک اخلاق الزاماً انسان‌محور است، خواستار پیشبرد رفاه بشر و یکسان‌نگری اجتماعی است که در عین حال گونه‌های در معرض خطر و سلامت محیط زیست را کم‌اهمیت نمی‌شمرد (۱۳).

طرفداران عدالت زیست‌محیطی طی پیشنهادی جهت تضمین حق برابر نسبت به محیط زیست درصدد جبران توزیع نابرابر بار زیست‌محیطی برآمده‌اند. بارهای زیست‌محیطی که می‌توانند از محقق شدن قابلیت‌های مردم بازاری کنند، شامل آلودگی‌ها، صنایع و تاسیسات و جرائم صنعتی هستند (۱۴). از این رو آنچه بی‌عدالتی زیست‌محیطی محسوب می‌شود چند علت دارد. علت اصلی در میان علت‌های بی‌عدالتی زیست‌محیطی ایجاد تغییرات غیرقانونی در زمین، آب، انرژی و هواست. مثلاً زمانی که بدون تبعیض با سوء استفاده کنندگان از زمین، آب، انرژی و هوا برخورد نشود نه تنها حیات وحش بلکه حیات بشر نیز مبتلا به عواقب آن می‌شود. در همین راستا جنگل‌زدایی بسیار وسیع به نام توسعه بشر، خسارت غیرقابل محاسبه‌ای را به منابع طبیعی جهان وارد کرده است (۱۵). پیشرفت‌های صنعتی همواره حقوق زیست‌محیطی ساکنان اولیه سراسر دنیا را تهدید می‌کنند. حیات آبی هم از برخورد بدون تبعیض با بهره‌برداران آبها در امان نمانده است. اجتماعات ساحل‌نشینان سراسر دنیا برای امرار معاش و حمل و نقل و غیره وابسته به آب هستند. بالاخص ماهیگیری منبع درآمد واقعی اجتماعات ساحل‌نشینان است. پس اگر انسان‌ها با احترام با آب رفتار نکنند، حق امرار معاش عده‌ای از مردم در معرض خطر قرار می‌گیرد.

تغییر انرژی و تغییرات آب و هوا نیز به علل یاد شده بی‌عدالتی زیست‌محیطی شباهت دارد. مثلاً سوزاندن بنزین و اکتشاف سوخت فسیلی سهم بسزایی در انحطاط محیط زیست بسیاری از نقاط جهان داشته است. مناطقی همچون خلیج فارس و یا منطقه خزر و همچنین دلتای نیجر در کشور نیجریه از نعمت نفت خام برخوردار می‌باشند. اما امروزه به نظر می‌رسد

امتحان توسعه پایدار قبول می‌شوند؟ جواب این سؤالات مضامینی را برای پایداری توسعه و عدالت زیست‌محیطی در این منطقه در بردارد (۱۹).

بدون شک منطقه غرب آسیا از نعمت منابع طبیعی برخوردار است: مثلاً اراضی قابل کشت پهناور، رودخانه‌ها و مواد معدنی و غیره. نیازی به گفتن نیست که این منطقه در کنار قاره دنیا، آفریقا پرنعمت‌ترین مناطق محسوب می‌شوند اما جایگاه فقر جانکاه، بدبختی تصورنشده، و انحطاط زیست‌محیطی بی‌سابقه هم در این مناطق هست (۲۰). عدالت زیست‌محیطی در مناطق غنی همچون آفریقا یک خلا بزرگ محسوب می‌شود و می‌توان گفت: محیط زیست آفریقا حامی عدالت زیست‌محیطی نیست. حقوق زیست‌محیطی یک فرد معمولی آفریقایی - مثلاً حق غذا، آب پاک، و محیط زیست سالم همواره به واسطه عدم آموزش زیست‌محیطی که شالوده‌اش اختلاقیات زیست‌محیطی می‌باشد، تهدید می‌شود.

توسعه پایدار که ضامن این حقوق است براساس روشننگری درخور درباره جایگاه محیط زیست در حیات بشر پایه‌گذاری شده است. انسان‌ها هر کدام در مکانی (در محیط زیست) متولد می‌شوند؛ در محیط پرورش می‌یابند؛ و اعتقادات و ارزشهایشان تحت تأثیر رابطه با اطرافیان (محیط زیست) قرار می‌گیرند. کوتاهی انسان‌ها در رفتار احترام‌آمیز به محیط زیست باعث بروز بحران غذا، سیلاب، و تهدید حیات بشر و حیات وحش می‌شود. مثلاً در مورد حیات وحش می‌توان گفت تعداد بیشماری از پرندگان، جانوران و گیاهان در لیست گونه‌های در معرض خطر جا گرفته‌اند. در سراسر دنیا بیشتر حیات وحش و زیباترین منابع طبیعی کره زمین به نام توسعه و پیشرفت کنار گذاشته شده‌اند. و بسیاری از جانوران به دلیل از دست دادن زیستگاه طبیعی خود رو به مرگ هستند. از بین رفتن حیات وحش در فقر هستی بشر سهم دارد. زنجیره اکوسیستم (بوم سازگان) که حیات بشر را حفظ می‌کند هربار که گونه خاصی در طبیعت منقرض گردد، پاره می‌شود.

امروزه این نوع نگاه به عدالت زیست‌محیطی نوعی مشکل و محدودیت تلقی می‌گردد که بهترین رهیافت برای این مهم بین‌المللی کردن حفاظت و احترام به محیط زیست

دسترسی برابر به روند تصمیم‌گیری جهت برخوردی از محیط سالم ندارند. (۱۷)

همین مسئله در سطح روابط بین‌الملل مشهود است. رابطه بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه از نظر رفتار با محیط زیست جهانی گویای نابرابری و بی‌عدالتی زیست-محیطی می‌باشد. اقتصادهای پیشرفته یا پیشرفته صنعتی، بدترین آلاینده‌های محیط زیست هستند. اقتصادهای پیشرفته با احترام نسبت به محیط زیست کشورهای روبه توسعه رفتار نمی‌کنند چرا که زائدات صنعتی سمی اغلب به سایتهای زباله در کشورهای روبه توسعه راه پیدا می‌کنند.

توسعه پایدار و بی‌عدالتی زیست‌محیطی

پدیده‌های توسعه پایدار و عدالت زیست‌محیطی طی جستار رشد و ترقی در اقتصادهای روبه توسعه وارد صحنه بازی می‌شوند. توسعه پایدار یعنی برطرف ساختن نیازهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی - سیاسی نسل حاضر بدون به خطر انداختن نسلهای آینده (۱۸).

توسعه پایدار پدیده واحدی است که بعدی سه‌گانه دارد: از یک بعد اجتماعی-سیاسی، از بعد دوم اقتصادی (پایداری اقتصادی) و از بعد سوم زیست‌محیطی (پایداری زیست‌محیطی) می‌باشد. اما این سه بعد توسعه پایدار به شکل یک کلاف در هم پیچیده با هم در ارتباط هستند. پس قراردادن این عرصه‌های توسعه پایدار در محفظه‌های نفوذناپذیر تقریباً دشوار می‌شود. به عنوان مثال فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی (مثلاً جنگ) روی فعالیت اقتصادی تأثیرگذار هستند (مثلاً بودجه زمان جنگ) و همچنین محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهند (استفاده سنگین از سلاحهایی که باعث تخریب محیط می‌شوند).

توسعه پایدار با این مضمون که مصرف منابع باید به روشی باشد که در کوتاه زمان تمام نشوند، این گونه به ذهن متبادر می‌شود. مثلاً سؤالی را که در مورد منطقه غرب آسیا مطرح می‌کنیم اینکه غرب آسیا و خاورمیانه چه سهمی در تلاش‌های جهانی به سوی مصرف پایدار منابع طبیعی داشته است؟ و اگر هدف توسعه پایدار رفع نیازهای مردم و در عین حال حفظ جامعیت محیط زیست است؛ آیا بیشتر کشورهای خاورمیانه در

رفاه بشر لازم است آگاهانه به سلامت کره زمین توجه داشته باشیم.

مخصوصاً با در نظر گرفتن ناهمخوانی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باید گفت این کشورها همواره باید به دنبال چاره‌جویی و جبران نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی فراگیر موجود و بی‌عدالتی زیست‌محیطی همراه آنها باشند. همچنین بی‌تناسبی فعلی توسعه (به نفع اقتصادهای پیشرفته) و هزینه بی‌تناسب آن (به حساب اقتصادهای روبه توسعه) به خودی خود در میزان بالاتر خسارات و آسیب‌های زیست-محیطی سهم دارد. به علاوه بخشی از هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی که باعث انحطاط محیط زیست مثلاً گرم شدن زمین می‌شوند، نه فقط بر اشخاص (یا ملت‌های) دخیل در فعالیت‌های اقتصادی پیشرفته (آلاینده‌های اصلی) بلکه بر اشخاص ساکن در اقتصادهای توسعه نیافته تحمیل می‌شوند.

مطالب بالا بدین مضمون هستند که ما با نیاز به شناخت جهانی مواجه هستیم. تلاش برای توسعه پایدار باید براساس عدالت زیست‌محیطی پایه‌گذاری شود. در این راستا سعادت جهانیان زمانی دست یافتنی است که کشورها تفاهم داشته باشند که پایداری محیط زیست پیوندی جدانشدنی با ضرورت احترام به حقوق زیست‌محیطی سایرین دارد. محیط زیست پاک یکی از حقوق بشری است و بی‌عدالتی در حق یک نفر یعنی بی‌عدالتی در حق همه و همچنین بی‌عدالتی در حق هر بخش از محیط زیست یعنی بی‌عدالتی در حق محیط زیست جهانی که این محور اصلی و مرز بین عدالت و بی‌عدالتی زیست‌محیطی است.

Reference

1. Miller, Jr., G. Tyler (2003). *Environmental Science: Working With the Earth* (9th ed.). Pacific Grove, California: Brooks/Cole, pp.31-34.
2. MacShane K., (2012) *The Environment: How to Understand It and What to do about It*. Kabasanche W. P., O'Rourke M., Slater Matthew H. (Eds.) *The Environment:*

است (۲۱). به هر ترتیب برای رسیدن به عدالت زیست‌محیطی، تغییر اساسی در جهان بینی ما ضروری است و بایستی تاثیر مثبت تغییر به حدی باشد که اجتماعات بشری را به چالش بکشد تا دیدگاه جامع تری از امور را درک کنند (۲۲). عدالت زیست‌محیطی در یک چشم‌انداز برای عدالت گسترده‌تر تعبیه شده و تلاش برای ارتقای عدالت اقتصادی و قدرت سیاسی به معنای به حاشیه کشیدن عدالت زیست‌محیطی نیست (۲۳).

نتیجه‌گیری

از مطالب یاد شده پیداست که جستار عدالت جهانی نمی‌تواند ضرورت توجه جهانیان به محیط زیست را نادیده بگیرد. بقای انسان‌ها و بقای جمعی ملتها تابع وجود محیط زیست پاک، سالم و ایمن است. اقتصادهای روبه توسعه که اکثراً کشورهای آفریقایی و البته برخی کشورهای آسیایی نیز هستند نمونه‌های عالی تجربه انحطاط و بی‌عدالتی زیست‌محیطی می‌باشند. دولت‌ها، بخصوص در کشورهای روبه توسعه، باید نظام منصفانه، نافذ و کارآمد و قابل دسترسی عدالت را باتوجه به چگونگی استفاده از محیط زیست برقرار کنند.

قاره آفریقا سرشا از انواع زیست توده، خورشیدی، بادی و زمین‌گرمایی انرژی است که هنوز برای توسعه دوستانه برای محیط زیست به طور کامل در دسترس قرار نگرفته‌اند. کشورهای غنی از نفت مثل ایران، نیجریه و برخی کشورهای عربی باید برنامه‌های توسعه پایدار انرژی را طراحی و اجرا کنند که قادر به مبارزه با خسارت وارد شده به کره زمین از طریق اکتشاف و مصرف دائمی سوخت فسیلی باشند.

در سطح روابط بین کشورها نشان دادن نگرانی جهانی در مورد بی‌عدالتی زیست‌محیطی با اهمیت تلقی می‌شود. تبعیض زیست‌محیطی از جمله موارد نابرابری زیست‌محیطی است که هیچکدام به نفع محیط زیست جهانی نیستند. احترام به محیط زیست لازمه توسعه پایدار است. بشر باید بداند که منابع طبیعی منابعی بی‌حد و حصر و نامحدود نیستند. برای ارتقای

- Barbara: ABC-CLIO LLC, pp.431-433.
14. Fadahunsi, Ayo (2007) *Challenging Africa's Environmental Crisis: the Ethical Imperative*, pp. 47-49.
 15. Zimmerman, R (1993) *Social equity and environmental risk*. *Risk Analysis* 13(6):pp. 649-666.
 16. Ejumudo K. O (2014) *The Democracy/Environmental Justice Challenge in Nigeria's Niger Delta and the Developmental Leadership and Governance Culture Imperative* *Journal of Economics and Sustainable Development* Vol 5, No 15, 113-123 <http://www.iiste.org/Journals/index.php/JEDS/article/view/15311/15526>.
 17. Cole, Luke and Sheila R. Foster (2001) *From the Ground Up: Environmental Racism and the Rise of the Environmental Justice Movement*. New York University Press, pp. 22-25
 18. McNeil, J. R (2001) *Something New Under the Sun: An Environmental History of the Twentieth-Century World*. Norton, pp.85-86.
 19. Ogungbemi, Segun (1997) "An African Perspective on the Environmental Crisis" Pojman, Retrieved from http://www.utexas.edu/conferences/africa/2009/09abstracts_a-g.htm
 20. Maier, Karl (1997) *Into the House of the Ancestors: Inside the New Africa*. Wiley, pp.23-25.
 21. Pourhashemi, Sayed Abbas and Arghand Interest (1392). *Environmental Law*, Dugostar Publishing House, p. 256. (In Persian)
 22. Kuivorova , Timo (1394) *Introduction to International Environmental Law*, Translated by Sobhan Tayebi and *Philosophy, Science, and Ethics*. London: MIT,pp.79-82.
 3. Howe, Henry F., and Lynn C. Westley (1990) *Ecological Relationships of Plants and Animals*. Oxford University Press,pp.128-129.
 4. Gilpin, Robert, and Jean M. Gilpin (2001) *Global Political Economy: Understanding the International Economic Order*. Princeton University Press, pp. 17-19.
 5. Kimbrel, Andrew (2002) *Fatal Harvest: The Tragedy of Industrial Agriculture*. Foundation for Deep Ecology,pp. 184-185.
 6. Gibbs, D (2002) *Local Economic Development and the Environment* London: Routledge, pp.68-74.
 7. Louis J., (ed.) (2001) *Environmental Ethics: Readings in Theory and Application*, 2nd ed. (Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company), 330-337
 8. Mingione, Enzo (2001) *Urban Poverty and the Underclass: A Reader*. Blackwell,pp. 202-203.
 9. Schlosberg, David (2007) *Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature* Oxford University Press. pp 12-16
 10. McDonald, David (2002) *Environmental Justice in South Africa*. Cape Town: Ohio UP, pp.75-77.
 11. Schlosberg, David (2007) *Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature* Oxford University Press. pp. 14-16
 12. Bryant, B (1995). *Environmental Justice: Issues, Policies, and Solutions*. Washington, DC: Island Press. pp. 15-18.
 13. Newton, D. E. (2009) *Environmental Justice: A Reference Handbook* Santa

Peace, Khorsandi Publishing, pp.
261-262.(In Persian)

Mahnaz Zarrabi, Publishing Sama,
Pages 329-330. (In Persian)

23. Tayebi, Sobhan (1396) Environmental
Diplomacy and its Impact on
International Interactions and Global